

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۲۹

محمد باقری^۱، عیسی حجت^۲، مینا دشتی^۳

ارزیابی تحول زبان‌الگو در معماری مسکن

بررسی موردی: خانه‌های دوره قاجار و مسکن معاصر در شهر زنجان^۴

چکیده

تنوع و تکثر الگوهای سکونت معاصر و غفلت از الگوهای بومی، بازخوانی زبان‌الگوی خانه ایرانی و همسازی آن با انگیزه‌ها و نیازهای ساکنان را ضروری ساخته است. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی تنش‌های رفتاری-مکانی در گونه‌های مسکن و رفع آنها از طریق بازنگری در سازمان فضایی و الگوهای مکان-رفتار است. پس از تعریف زبان‌الگو و عناصر ساختاری-معنایی آن، ۲۰ نمونه از خانه‌های سنتی دوره قاجار و ۲۰ نمونه از خانه‌های ویلایی و آپارتمانی شهر زنجان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد و الگوی معماری آنها در سه مقیاس کلان، میانی و خرد در ابعاد فضایی (ارتباط با پیرامون، تنوع فضایی، جزئیات معماری و مبلمان) و ابعاد ادراکی-رفتاری (ارتباط با طبیعت، تأثیرگذاری حسی، رفتاری و عاطفی بر ساکنان) ارزیابی گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسکن سنتی زنجان (تا دوره قاجار) از الگوهای مکان-رفتار پویا و فعال برخوردار بوده و در مسکن معاصر (خانه‌های ویلایی و واحدهای آپارتمانی امروزی) به تدریج به الگوهای ایستا و غیرفعال تغییر یافته است. تحول طراحی بوم‌سازگار و چندعملکردی در مسکن سنتی به طراحی فرمی-عملکردی و بی‌توجهی به زیست‌بوم در مسکن معاصر، سازمان ادراکی-رفتاری و زبان‌الگوی سکونت را تضعیف کرده است. استنتاج نهایی تحقیق آن است که با بذل توجه عمیق به الگوهای فرهنگی (رفتاری) و سازمان فضایی، زبان‌الگوی سکونت قابل بازیابی است. تقویت رابطه بصری و دسترسی به طبیعت، طراحی مبتنی بر حواس محیطی (بینایی، بویایی، لامسه)، حفظ تشخص، تنوع و انعطاف‌پذیری فضاهای سکونتی، تعامل‌پذیری خانواده و همسایگان و تداعی‌گری خاطرات در بازآفرینی سازمان فضایی و زبان‌الگوی سکونت تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌الگو، الگوی مکان-رفتار، خانه سنتی، خانه معاصر، زنجان.

^۱ استادیار گروه معماری، دانشگاه زنجان، استان زنجان، شهر زنجان، (نویسنده مسئول)

E-mail: mbagheri@znu.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: isahojat@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز

E-mail: architect_soil9@yahoo.com

^۴ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مینا دشتی با عنوان «طراحی خانه معاصر با تأکید بر سیر تحول الگوی سکونت در زنجان» به راهنمایی دکتر محمد باقری و مشاوره دکتر عیسی حجت و دکتر مهدی حمزه‌نژاد در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.

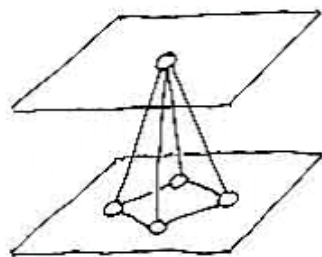
مقدمه

الگوهای^۱ پایدار ساخت‌وساز برای مردم هر سرزمینی و در هر دوره تاریخی به حفظ ارزش‌های بومی و فرهنگی منجر می‌شود. الگوهای معماری وسیله تجسم زبان، فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای جامعه در کالبد شهر و بناهاست. محققان حوزه معماری، زبان ارتباطی الگوها را از مبانی طراحی معرفی می‌کنند و نقض الگوها را باعث قطع رابطه محیط ساخته شده با مردم می‌دانند. طراحی معماری که در عالم سنتی و مدرن عملی به‌قاعده و متکی بر الگویی آن-یا این-جهانی بود، در عالم بعد از مدرن دچار بی‌قاعدگی و بی‌الگویی می‌شود (حجت، ۱۳۹۱). «در این دوران دیگر نه الگوهای معماری سنتی خریدار دارد و نه کارگفته‌های پیشگامان معماری مدرن. در جهان پسامدرن الگو و پیشگام معنا ندارد و هر کس به شیوه خودش و در راه خودش گام برمی‌دارد و پس و پیش بودن گام نیز دیگر تفاوتی ندارد» (حجت، ۱۳۹۱، ۴۳). برخی صاحب‌نظران نظیر سالینگاروس^۲ (۲۰۰۰) و الکساندر عقیده دارند که بازخوانی زبان‌الگو می‌تواند معماری معاصر را متحول کند. الکساندر (۱۳۸۶، ۱۹۷۷) عقیده دارد استفاده از زبان‌الگو به جوامع سنتی اختصاص ندارد و به اندازه سخن گفتن، ذاتی آدمی است. در جامعه متخصصان ایرانی نیز گرایش به زبان‌الگو دیده می‌شود. «هر سرزمینی یک روح، تفکر، فرهنگ و معماری قابل تداوم دارد» (میرمیران، ۱۳۷۴ به نقل از پوراحمدی، ۱۳۹۱). برخی معماران (میرمیران، ۱۳۷۵ به نقل از عمومی، ۱۳۷۶) معتقدند معماری ایران علی‌رغم پیچیدگی و تنوع فضایی از الگوهای فضایی مشخصی برخوردار است.

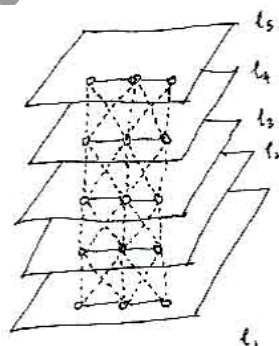
معماری و الگوی مکان-رفتار

هر سکونتگاه به‌مثابه یک موجودیت زنده شامل الگوهای فعالیت و فضا است. زندگی، روح و شخصیت هر فضا، علاوه بر محیط کالبدی، به الگوی رفتارهایی بستگی دارد که در آن رخ می‌دهد. فرهنگ از طریق الگوهای مکانی-رفتاری صیانت می‌شود و زنده می‌ماند (الکساندر، ۱۳۸۶). «آنچه غیرقابل امتناع بودن الگوها را ثابت می‌کند ارتباط با الگوهای بنیادین رفتار و حرکت انسان‌ها است. بسیاری از تعاملات و عملکردهای انسانی توسط هندسه شهری که الگوها پیشنهاد می‌دهند تسهیل می‌شود و ما الگوهای رفتاری را به الگوهای معماری ارتباط می‌دهیم» (Salingaros, 2000, 11). در نگرش کل‌نگر اثر معماری سامانه‌ای است که الگو، نظم و رابطه میان عناصر سامانه است (سلطانی، و دیگران، ۱۳۹۱، ۴). الگو نمود خارجی ساختارهای ذهنی است که از طریق فرآیند فکر کردن خلق می‌شود و لذا در معماری و هنرهای سنتی حضور الگوهای بصری قابل درک است (Salingaros, 2004). سالینگاروس (۲۰۰۰) در تعریف الگو می‌گوید «ما دنیای اطراف خود را می‌بینیم و با خلاصه کردن آن به‌صورت علت و معلول و استناد به راه‌حلهایی که در شرایط مختلف تکرار می‌شوند، ساختار آن را درک می‌کنیم. این قوانین تجربی که نمایانگر نظم و قاعده رفتار هستند الگو نامیده می‌شوند». مراجعه به تجربیات پیشین و تسلسل با گذشته کیفیت در محیط مصنوع خلق می‌کند که هویت‌مندی محیط انسان‌ساخت را تأمین می‌کند. الگو زمانی خلق می‌شود که نظم میان عناصر فضا در فرآیند تکرارپذیر فضاها و فرم‌های متعدد، پاسخی مناسب به خواست‌های متنوع استفاده‌کننده بدهد. استفاده از الگو در شرایط مختلف باعث تکامل الگو می‌شود و به فراخور مشخصات بستر و نیاز روز به اشکال مختلف در قالب فضا و فرم عینیت پیدا کند، بدون آنکه تکرار یا تقلید فضاهای پیشین باشد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۱). الگوی خانه دورساز و حیاط مرکزی آن نظم و تسلسل فضایی حاکم بر بازار ایرانی و تناسبات و انتظام حاکم بر مساجد چهار ایوانی از جمله الگوهای کالبدی قابل اشاره هستند که پذیرای گروهی از الگوهای رفتار جمعی و فردی استفاده‌کنندگان هستند.

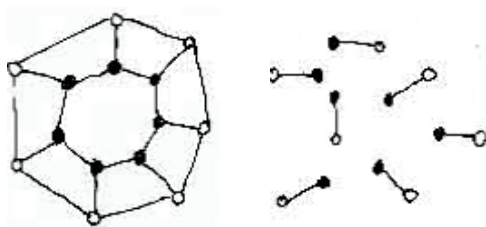
الکساندر^۳ (۱۳۸۶) ساختار هر الگو را قاعده‌ای سه‌بخشی شامل ارتباط میان یک زمینه، یک مسئله و یک راه‌حل می‌داند و اشاره دارد که الگو بین زمینه‌ای مشخص، سیستم نیروهای مشخص و مکرر در زمینه و نیز ترکیب فضایی ارتباط برقرار کرده و امکان آزادی نیروهای ادراکی-رفتاری را فراهم می‌کند. ویت^۴ و واتمن^۵ (۲۰۰۶) به دو نکته جالب اشاره می‌کنند: (۱) الگوها نشأت گرفته از محیط‌هایی با ارزش همگن از جمله ارزش‌های آموزشی و روش‌شناختی هستند؛ (۲) استفاده از الگوهای موجود در طراحی محیط‌های پیچیده و امکان تطبیق الگو با تغییرات جدید امکان‌پذیر است. بنابراین الگوها به صورت منفرد عمل نمی‌کنند و به شکلی کاملاً منسجم و در ارتباط با هم زبان الگوها را می‌سازند. بنابراین «زبان‌الگو سیستمی است که به کاربران امکان می‌دهد بی‌نهایت ترکیب سه‌بعدی بسازند، ترکیب‌هایی که به آنها بنا و باغ و شهر می‌گوییم. الگوی جامع شامل فضا و رفتارها با هم، عنصری متعلق به فرهنگ انسان‌ها است که فرهنگ را پدید می‌آورد» (الکساندر، ۱۳۸۶، ۷۸ و ۱۶۱). سالینگروس در تبیین ساختار زبان‌الگو می‌نویسد (Salingaros, 2000, 12) «(۱) الگوهای مجزا در یک گروه گروه می‌آیند تا در سطح بالاتر، الگوهای جدیدی با خواص دیگر بسازند؛ (۲) در سلسله‌مراتب ارتباطات الگوهای در سطوح بالاتر به الگوهای در سطوح پایین‌تر وابسته‌اند (مدل ۱: ۳) الگوهای یک‌سطح یا یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به تعریف الگوهای جدید در سطح بالاتر کمک کنند (مدل ۲: ۴) دو گروه الگوها که از نظر مقیاس دورترند، نمی‌توانند به نحو مؤثری با هم مرتبط باشند (مدل ۳: ۵) الگوهای معماری با الگوی اجتماعی متناظر می‌شوند و در ترکیب با هم یک الگوی اجتماعی در سطح بالاتر می‌سازند» (مدل ۴: ۵). به این ترتیب اعتبار زبان‌الگو به خاطر ساختار متصل آن و نه به خاطر اعتبار تک‌تک الگوها به صورت خاص است.



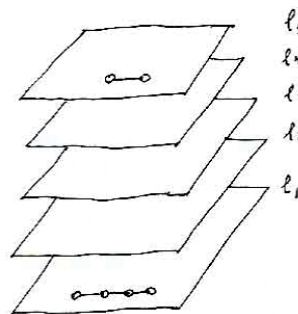
شکل ۲. مدل (۲) تعریف الگوهای جدید در سطح بالاتر با ترکیب الگوهای سطح پایین‌تر
منبع: Salingaros, 2000, 15



شکل ۱. مدل (۱) سلسله‌مراتب الگوها
منبع: Salingaros, 2000, 1



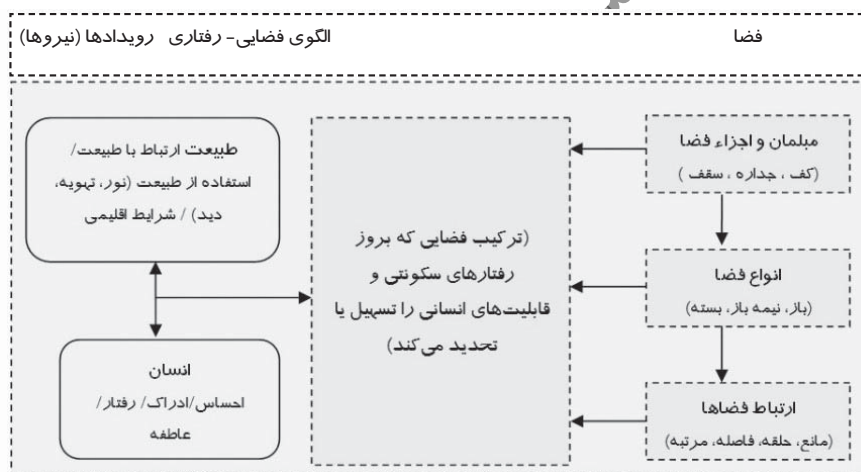
شکل ۴. مدل (۴) تناظر الگوهای معماری با الگوی اجتماعی
منبع: Salingaros, 2000, 19



شکل ۳. مدل (۳) اختلال در ارتباط دو گروه الگو که از نظر مقیاس دورند
منبع: Salingaros, 2000, 15

فرضیه و مدل تحقیق

کاربست نظریه زبان‌الگو در حوزه طراحی و ساخت خانه سؤالاتی را مطرح می‌کند: (۱) مؤلفه‌های سازنده الگوهای رفتاری و فضایی (کالبدی) در خانه سنتی و مسکن معاصر کدامند؟ (۲) رابطه متقابل الگوهای فضایی و رفتاری در خانه سنتی و مسکن معاصر چگونه است؟ (۳) گذر زمان و تغییر در شیوه سکونت، چه تغییراتی بر الگوهای مسکن اعمال کرده و در رابطه الگوهای کالبدی-رفتاری چه تغییراتی ایجاد کرده است؟ فرضیه پژوهش این است که هر خانه‌ای از الگوهای خاص مکان-رفتار تشکیل شده است و به هر اندازه الگوهای مکان-رفتار سرزنده‌تر و پویاتر باشند و هم‌پیوندی الگوهای فضایی-رفتاری بیشتر باشد امکان آزاد شدن نیروهای درونی ساکنان و بهره‌وران بیشتر فراهم می‌شود. در راستای فراهم آوردن زمینه شناخت و تبیین تحولات در الگوی سکونت، پژوهش در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول با واکاوی ادبیات موضوع به صورت توصیفی-تحلیلی، الگویی نظری جهت کشف تغییرات در الگوی مسکن و ارتباط الگوها با یکدیگر ارائه می‌شود و در بخش دوم از طریق موردپژوهی، مطالعات میدانی و تحلیل داده‌ها به تبیین و آزمون کارایی مدل نظری در خانه‌های سنتی و معاصر (ویلاهی و آپارتمانی) شهر زنجان^۱ پرداخته می‌شود.

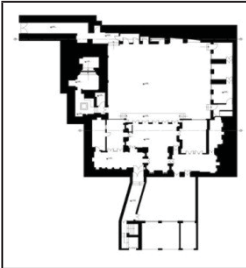


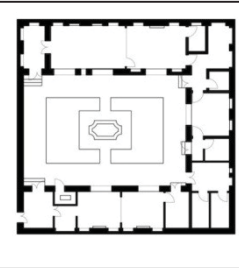


شکل ۵. مدل (۵) به‌عنوان مدل نظری پژوهش

منبع: نگارندگان

الگوهای کالبدی از یک سو با مؤلفه‌های فضایی مانند کیفیت فضاها، مبلمان و اجزاء فضاها و ارتباط فضاها^۶ و الگوهای رفتاری^۷ با مؤلفه‌های تعامل با طبیعت (ارتباط با طبیعت، استفاده از طبیعت و کنترل شرایط اقلیمی) و با تعاملات ادراکی-رفتاری (حواس فیزیکی، ادراک و شناخت، رفتار و عواطف ساکنان) از سوی دیگر تبیین شده و میزان (کم- زیاد) و نوع ارتباط (سازگار-ناسازگار) بین الگوهای کالبدی و رفتاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.^۸ مدل تحقیق (مدل ۵) بر اساس ریزمؤلفه‌ها و روابط اجزا تهیه شده و در بعد معنایی و تفسیر ارتباط، توضیحاتی در بخش تجزیه و تحلیل ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی برخی از خانه‌های قدیمی زنجان (پلان خانه، نام و مشخصات آن)

			
پلان خانه داوودی، زنجان: طبق تخمین میراث فرهنگی قدمت خانه به دوران صفوی بازمی‌گردد و از اولین خانه‌هایی است که بعد از ویرانی شهر بر ویرانه‌های شهر قبلی ساخته شده و در حریم بازار، جنب خضیایی قرار دارد. منبع: میراث فرهنگی استان	پلان خانه منتجبی، دوره صفوی: از دوران صفوی باقی‌مانده و در کنار بازار قرار دارد. ورودی خانه از هشتی و دالان تشکیل شده و به حیاط می‌رسد. بخش اصلی خانه در ضلع شمالی و جنوبی حیاط و اتاق‌های خدماتی در ضلع غربی بنا شده‌اند. دو خانواده در این خانه زندگی می‌کنند. منبع: نگارندگان	پلان خانه شهبازی، زنجان: هفتاد سال پیش توسط حاج اسد معمار بنا شده است. این خانه شامل دو حیاط اندرونی و بیرونی است و اتاق‌ها در چهار وجه حیاط واقع شده‌اند. منبع: نگارندگان	پلان خانه امیریان، زنجان: پنجاه سال قدمت دارد، تفکیک قطعات منظم‌تر شده‌اند و فرم زمین به صورت مربع و مساحت آن ۴۰۰ مترمربع و تداوم برخی الگوهای قبلی است. منبع: نگارندگان

منبع: نگارندگان

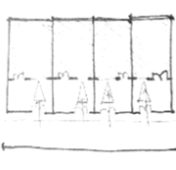
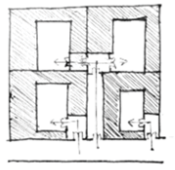

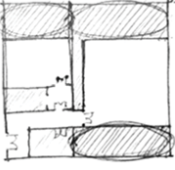
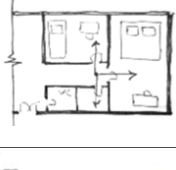
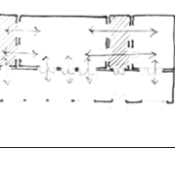
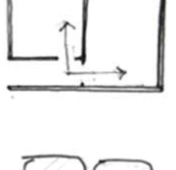

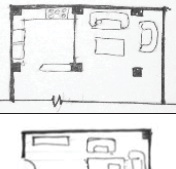
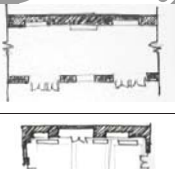


موردپژوهی (خانه‌های سنتی و معاصر زنجان)

برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، مطالعات میدانی از طریق تهیه عکس و نقشه در مناطق مسکونی شهر زنجان صورت گرفت و اطلاعات به دست آمده طبق مدل نظری تحقیق به الگوهایی تبدیل شد و به صورت تطبیقی بررسی گردید. به این منظور بیش از ۲۰ خانه سنتی تاریخی (حیاطدار) تا دوره قاجار و ۲۰ خانه ویلایی و آپارتمانی معاصر (از دوره پهلوی تاکنون) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد بازدید قرار گرفت، نقشه‌های مربوطه تهیه شد و در روند تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. در جدول ۱ چند نمونه از خانه‌های کهن شهر زنجان که واجد کیفیت فضایی خاصی هستند معرفی شده‌اند. بررسی و مقایسه خانه‌های سنتی و نوگرا در سه مقیاس کلان، میانه و خرد انجام شد. در سطح کلان، پیوند بیرونی خانه‌ها با یکدیگر و محیط مجاور و همچنین تعداد خانواده‌های ساکن در خانه و ارتباط کلی فضاهای پر و خالی مورد توجه قرار گرفت. در سطح میانه، انواع فضاها و نحوه ارتباط آنها مطرح شد و در مقیاس خرد، الگوهای مربوط به اجزای فضا و مبلمان بررسی گردید.

یافته‌های میدانی

در طی مطالعات میدانی، ۲۰ نمونه متفاوت از خانه‌های دوره قاجار و ۲۰ نمونه از خانه‌های ویلایی متعلق به دوره پهلوی تاکنون و گونه‌های آپارتمانی مورد مشاهده قرار گرفت و با برداشت کالبدی به‌ویژه پلان و عکس‌برداری بررسی گردید. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی چند نمونه از پلان خانه‌های قاجاری زنجان ارائه شده است. بر این اساس الگوهای متداول مکانی-رفتاری در خانه‌های سنتی و معاصر شناسایی و استخراج شد و طبق مدل پژوهش تقسیم‌بندی گردید. نتایج حاصل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقایسه الگوهای فضایی-رفتاری در خانه‌های سنتی و معاصر زنجان

خانه‌های ویلایی دوره پهلوی و آپارتمانی	خانه‌های دوره قاجار	تحول الگوی فضایی-رفتاری	
		ارتباط خانه با محیط	گروه‌شناسی خانه و خانواده
		<p>- تبدیل ارتباط سلسله‌مراتبی، غیرمستقیم و تدریجی خانه به ارتباط سریع، مستقیم و ناگهانی با محیط اطراف</p> <p>- تبدیل دسترسی باواسطه از بیرون به فضای اصلی به دسترسی بی‌واسطه از بیرون به فضای اصلی</p> <p>- تبدیل الگوی استقرار دو ردیف خانه در کنار یک دسترسی به الگوی استقرار یک ردیف خانه در کنار یک دسترسی</p>	سطح کلان
		<p>- تبدیل حیاط بزرگ مرکزی به حیاط کوچک شمالی یا جنوبی</p> <p>- تبدیل فرم گسترده در سطح و پیوسته به فرم متمرکز و نقطه‌ای</p> <p>- تبدیل خانه‌های بزرگ چندخانواری به خانه‌های کوچک تکخانواری</p> <p>- تبدیل خانواده‌های پیوسته و گسترده در یک مکان یا کوی به خانواده‌های گسسته و هسته‌ای پراکنده در سطح شهر</p>	سطح میانه
		<p>- تبدیل الگوی فضای باز، نیمه‌باز و پوشیده به الگوی اولویت فضای پوشیده</p> <p>- تبدیل الگوی فضای برگرفته از الگوی رفتاری (غلام گردش، اتاق‌ها، فضاهای کوچک بین اتاق‌ها، بام و...) به فضای برگرفته از عملکرد</p>	ارتباط بین فضاهای
		<p>- مانع: تبدیل الگوی استفاده از در بین اتاق‌ها به تفکیک اتاق‌ها توسط دیوار</p> <p>- حلقه: تبدیل الگوی دسترسی مجزای اتاق‌ها به ایوان یا غلام‌گردش به الگوی یک دسترسی برای هر اتاق</p> <p>- فاصله و مرتبه: تبدیل الگوی ارتباط محوری اتاق‌های مجاور به ارتباط ستاره‌ای فضاها از نشیمن.</p> <p>- تبدیل الگوی استقرار فضاهای اصلی دو محور اصلی (خدماتی و ارتباطی در حاشیه) به استقرار تصادفی و ستاره‌ای فضاهای اصلی، خدمتی و ارتباطی</p>	ارتباط خرد
		<p>- یکپارچگی سازه و دیوارهای خارجی در مقابل سازه مستقل از دیوارها</p>	جزئیات و جزئیات
		<p>- حذف الگوی استفاده از تزئینات و توجه به جزئیات</p> <p>- تبدیل الگوی کف مفروش و اثاثیه محدود به الگوی کف پارکت و غلبه مبلمان بر فضا</p>	

منبع: نگارندگان

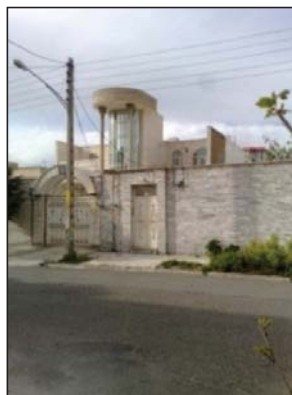
مقایسه خانه سنتی و معاصر (ویلایی و آپارتمانی) در سطح کلان

نکاتی که ارتباط سلسله‌مراتبی یا مستقیم با محیط پیرامون مطرح می‌سازد: (۱) در الگوی خانه‌های سنتی ابتدا پیوند بیرونی خانه‌ها با یکدیگر و با محیط مجاور تأثیر عمده‌ای بر کیفیت خانه و الگوهای بعدی دارد. در خانه‌های سنتی عموماً دو ردیف خانه به یک کوچه راه دارند و این خانه‌ها با دالان و هشتی با یکدیگر و با کوچه ارتباط پیدا می‌کنند (شکل ۶ و ۷). در حالی که خانه‌های معاصر به صورت ردیفی در کنار خیابان قرار می‌گیرند. در این خانه‌ها فضای مفصل ورودی به یک سطح ساده تقلیل یافته و سلسله‌مراتبی در ارتباط همسایگان و اطراف احساس نمی‌شود (شکل ۸).



شکل ۶ و ۷. وجود هشتی و دالان برای دسترسی به دو ردیف خانه، خانه منتجبی

منبع: نگارندگان



شکل ۸. مفصل ورودی، سطحی ساده

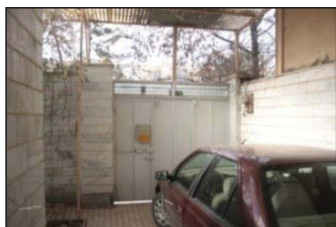
منبع: نگارندگان

۲) خانه و خانواده گسترده به خانه و خانواده تک‌هسته‌ای تبدیل شده و به بروز تنش‌هایی در روابط اعضای خانواده با نظام سنتی خانواده ایرانی منجر شده است. امروزه علاوه بر نیازهای ثابت انسانی مربوط به زندگی در یک خانواده گسترده، نیاز والدین به فرزندان در سنین کهن‌سالی، وظیفه انسانی و دینی فرزندان در رسیدگی به والدین، مشغله‌های کاری و مسافت طولانی بین خانه‌ها تنش‌هایی ایجاد کرده است که یکی از بهترین راه‌حل‌های آن، بازآفرینی شکل محدودتری از نظام خانه‌های گسترده در غالب ساختارهای خانواده معاصر است. به‌طور مثال بازسازی و نوسازی خانه‌هایی که خانواده‌ای از دو یا سه نسل در آن زندگی می‌کنند و به‌دلیل پیوندهای عاطفی و خانوادگی نیازهای یکدیگر را پوشش می‌دهند حداقل در برخی الگوهای مسکن معاصر امکان‌پذیر بوده و البته نیازمند فرهنگ‌سازی اجتماعی و احیای برخی از مختصات سبک زندگی ایرانی است.

۳) حیاط مرکزی یا حیاط جنوبی و شمالی الگویی است که بسیاری از الگوهای کالبدی-رفتاری در مقیاس میانه و خرد را پشتیبانی می‌کند. این الگو پاسخگوی نیازهای اقلیمی و رفتار قلمروپایی و محرمیت‌طلبی در خانواده ایرانی است و با تغییر آن به الگوی حیاط جنوبی در خانه ویلایی قابل رؤیت از اطراف و سپس حذف حیاط در آپارتمان‌سازی‌های معاصر شاهد از بین رفتن بسیاری از کیفیت‌های سکونت‌ی هستیم. ساختار و زبان الگوی خانه ایرانی از حذف حیاط لطمه سنگینی دیده است و این مسئله به گسست بسیاری از الگوهای مکان-رفتار در مسکن منجر شده و سکونت را به حد یک سرپناه ساده تقلیل داده است... از جمله تنش‌هایی که در حین این تغییر بروز پیدا کرده‌اند می‌توان به مواردی چون نیاز به ارتباط با طبیعت، نیاز به محرمیت بصری، نیاز به احساس آرامش و کنترل آلودگی صوتی، نیاز به تعامل جمعی در خانواده گسترده و بسیاری از

موارد دیگر اشاره کرد. راپاپورت از محققانی است که علی‌رغم تأکید بر منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، بر نقش عوامل اقلیمی در شکل‌گیری خانه‌های حیاطدار برای تأمین سرپناه اولیه انسانی اذعان دارد (راپاپورت، ۱۳۸۱، ۱۲).

در مقایسه مقیاس میانی دو گونه مسکن، نکاتی در مورد انواع فضاها و ارتباط بین آنها مطرح می‌شود: (۱) در خانه‌های سنتی الگوی فضاها، باز، نیمه‌باز و بسته مورد تأکید بوده است؛ در حالی که در خانه‌های معاصر فضاها، باز و نیمه‌باز تعریف خود را از دست داده‌اند. این موضوع در سه الگو مورد بررسی قرار گرفته است. فضای باز (حیاط) دارای حوض و درخت به فضای واسط بین خانه و خیابان و محل پارک ماشین تبدیل شده است. الگوی حیاط دارای حوض و درخت مکمل الگوی حیاط مرکزی است که کیفیت حیاط را روشن‌تر می‌کند. حوض و درخت در وهله اول عناصر جزئی معماری به‌نظر می‌رسند، اما نقش پررنگی در رفع نیاز انسان به ارتباط با طبیعت ایفا می‌کنند و با خلق فضایی آرام و ایمن اعضای خانواده را حین انجام فعالیت‌های فردی و جمعی گرداگرد هم جمع می‌کنند (شکل ۹). حیاطی که عاری از عناصر طبیعی است و تنها فضای واسط بین خانه و خیابان است و چه‌بسا برای پارک اتومبیل و موتور سیکلت مورد استفاده قرار می‌گیرد، در تقابل با نیازهای روانی و معنوی انسان برای ارتباط با طبیعت، خلوت کردن در آن و تفکر در باب آن است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. فضای واسط خانه و خیابان، پارک ماشین
منبع: نگارندگان



شکل ۹. حیاط دارای حوض و درخت، خانه شهبازی
منبع: نگارندگان

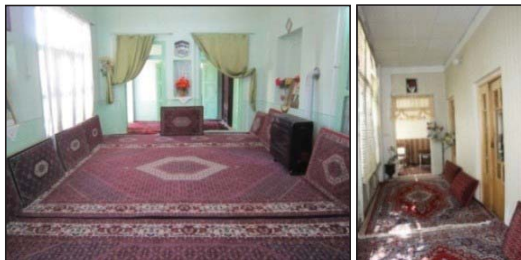
(۲) فضای نیمه‌باز (ایوان یا تراس) در واقع به‌عنوان مفصل بین فضای باز و بسته عمل می‌کند. انسان برای نشستن در حیاط، ذاتاً تمایل به فضایی مسقف در اطراف حیاط دارد و الگوی ایوان پاسخگوی نیازهای روانی انسان و مکمل الگوی حیاط دارای حوض و درخت است. در خانه‌های معاصر فضای نیمه‌باز و چندعملکردی ایوان تبدیل به تراسی شده است که در بسیاری موارد روی به کوچه و خیابان داشته و فاقد پوشش، خصوصیت، حریمیت و آسایش فیزیکی و روانی است و عموماً به‌دلیل کوچک بودن به‌عنوان فضای درجه دو یا برای تعبیه تأسیسات مورد استفاده قرار می‌گیرد. فضای کوچک تراس پاسخگوی الگوهای رفتاری و نیازهای روانی انسان نیست و عمدتاً برای نگهداری کوتاه‌مدت مواد غذایی، خشک کردن لباس و انبار وسایل مستعمل و مصرفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فقدان الگوی ایوان در خانه معاصر، نیاز ساکنان به ارتباط با فضای باز را با تنش مواجه کرده است.

(۳) فضاها، پوشیده‌خانه متأثر از الگوی ادراکی-رفتاری ساکنان یا برگرفته از عملکردهای خاصی هستند. انواع فضاها، سرپوشیده در خانه سنتی شامل غلام‌گردش (شکل ۱۱)، اتاق‌ها (شکل ۱۲)، فضاها، کوچک بین اتاق‌ها (کوچه)، آشپزخانه، بام و فضاها، خدماتی مطابق با شیوه زندگی خانواده و الگوهای رفتاری شکل گرفته است. اتاق‌هایی که طیف وسیعی از رفتارهای فردی و جمعی را دربرگرفته‌اند، غلام‌گردش که به علت اقلیم سرد منطقه در نقش ایوان عمل کرده و

علاوه بر جلوگیری از نفوذ هوای سرد به اتاق‌ها و تأمین نور غیرمستقیم، گسترش اتاق‌ها در حین برگزاری مراسم را نیز پاسخگو بوده است. فضاهای مفصل بین اتاق‌ها در هنگام میهمانی نقش خدماتی ایفا کرده و در سایر مواقع فضایی برای نگهداری البسه و دیگر لوازم روزمره زندگی بوده و استقلال اتاق‌ها را فراهم کرده است و بام نیز در فصول کوتاه ولی گرم تابستان محل مناسبی برای استراحت شبانه افراد خانواده است. در مقابل، فضاهای برگرفته از عملکرد خانه‌های امروزی (فضاهای نشیمن و پذیرایی، اتاق خواب، آشپزخانه و اتاق غذاخوری) صرف‌نظر از چگونگی انجام فعالیت تنها بر عملکردها تأکید دارد (شکل ۱۳). نگاه یک‌بعدی بسیاری از نیازهای فرهنگی و آداب و رسوم خانه را دچار تناقض می‌کند.



شکل ۱۳: فضای برگرفته از عملکرد، نمونه‌ای از خانه معاصر
منبع: نگارندگان



شکل ۱۱ و ۱۲: فضای برگرفته از الگوی رفتاری (اتاق، مفصل بین اتاق‌ها و غلام‌گردش)، خانه شهپازی، خانه علمی
منبع: نگارندگان

۴) تبدیل ارتباط محوری اتاق‌های مجاور در خانه‌های سنتی به ارتباط ستاره‌ای فضاها از طریق نشیمن از نکات قابل توجه در مقیاس میانه است. ارتباط محوری اتاق‌های مجاور باعث ایجاد محوربندی در خانه می‌شود. «محوربندی ابزار و نشانه قدرتمندی در طرح معماری خانه است. محوربندی ارتباط کالبدی مستقیم با درک افراد از معماری خانه دارد. چرخش و امتداد محورها، اتاق‌های خانه را بهم می‌پیوند و این امکان را فراهم می‌کند تا بتوان نور و فضای یک یا چند اتاق را از اتاق مجاور مشاهده کرد» (نیلاندر، ۱۳۹۰، ۳۰). ارتباط محوری اتاق‌ها امکان گسترش آنها را هنگام برگزاری مراسم بزرگ فراهم می‌کند. تبدیل این الگو به ارتباط ستاره‌ای فضاها، علاوه بر از بین بردن محوریت خانه، بر یک‌عملکردی بودن و ارزش یکنواخت اتاق‌ها تأکید کرده، کارآمدی فضاها را کاهش داده، پرت فضایی ایجاد کرده و فضای ارتباطی تاریکی در مرکز خانه ویلایی ایجاد نموده است. این الگو نیازهای برگرفته از فرهنگ ساکنان مانند گرایش به پیوستگی فضاها در مراسم‌ها و الگوهای چندعملکردی اجتماعی را دچار تنش می‌کند.

۵) چهاردری بین اتاق‌های سنتی یا اتاق‌های تفکیک شده با دیوار امروز؛ استفاده از در برای تفکیک اتاق‌ها الگویی مکمل برای الگوی ارتباط محوری اتاق‌ها بوده که امکان گسترش اتاق‌ها در مراسم و میهمانی‌های بزرگ را فراهم کرده و انعطاف‌پذیری حرکتی را در اتاق‌ها تأمین می‌کرده است. در مقابل این الگو، الگوی تفکیک اتاق‌ها با دیوار قرار دارد که در خانه‌های معاصر متداول است. استفاده از این الگو در مرحله اول باعث ایجاد استقلال بیشتر اتاق‌ها می‌شود اما استفاده از در بین اتاق‌ها مکمل الگوی استفاده از فضاهای کوچک بین اتاق‌ها است. این دو الگو در کنار هم نسبت به تفکیک اتاق با دیوار، استقلال و تعریف کامل‌تری به اتاق می‌دهند.

۶) دسترسی اتاق‌ها به ایوان و غلام‌گردش یا یک دسترسی برای هر اتاق: دسترسی مجزای هر اتاق به یکی از فضاهای غلام‌گردش، ایوان یا حیاط علاوه بر دسترسی اتاق‌ها به یکدیگر و به فضای ارتباطی بین آنها، طیف وسیعی از الگوهای حرکتی را جوابگو است که انعطاف‌پذیری و

گسترش‌پذیری فضاهای خانه را تأمین می‌کند و پاسخگوی الگوهای رفتاری و حرکتی بسیاری است. تنوع حرکت و الگوهای مختلف جابه‌جایی موجب غنای تجارب افراد در خانه می‌شود. حرکت باعث به‌وجود آمدن رابطه کالبدی-بدنی بین فرد و معماری خانه می‌شود (نیلاندر، ۱۳۹۰). در حالی که الگوی یک دسترسی برای هر اتاق امکان حرکت چرخشی و تنوع حرکتی را سلب نموده و فضاها را یک‌عملکردی می‌کند.

مقایسه الگوها در سطح خرد، الگوهایی را برای طراحی عناصر فضا شامل سازه، دیوار، سقف، کف، پنجره و اثاثیه منزل مطرح می‌کند: (۱) یکپارچگی سازه و دیوارهای خارجی یا سازه مستقل از دیوارها در این زمینه قابل بررسی است. قرارگیری سازه در جداره خارجی فضا و یکپارچگی آن با دیوار علاوه بر ایفای نقش اقلیمی و جلوگیری از نفوذ سرما و آلودگی صوتی، باعث شکل‌گیری دیوار سه‌بعدی دارای تاقچه، رف، گنجه، چراغدان و پنجره‌گاه می‌شود. در حالی که تفکیک سازه از دیوارها باعث شکل‌گیری دیوارهایی مسطح، پنجره‌هایی بدون پنجره‌گاه و شبیه روزن در دیوارها و کاهش ضخامت دیوارهای خارجی شده و ضمن بروز اشکالات عملکردی و ساختاری، بسیاری از کیفیت‌های فضایی را تقلیل داده است. سیستم سازه‌ای افزایش عمق فضاها را امکان‌پذیر می‌کند و باعث ایجاد فضاهایی شده که از نور طبیعی بی‌بهره‌اند. همچنین هماهنگی معماری و سازه با تأسیسات جدید مسکن نیز خائن اهمیت است.

(۲) سقف لنبه‌کوبی شده یا سقف بدون تزئینات: سقف لنبه‌کوبی شده که به‌صورت الگویی در مقیاس جزئیات خانه‌های سنتی دیده می‌شود به تنوع و تمایز اتاق‌ها از یکدیگر کمک می‌کند (شکل ۱۴). «تزئینات یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های انسان برای جذاب ساختن خود و محیط اطراف است. بین الگوهای تزئینی انسان‌ساخت و آنهایی که در طبیعت دیده می‌شوند، اغلب ارتباطی قوی وجود دارد» (بل، ۱۳۸۲، ۲۳). نیلاندر معتقد است «انتخاب مصالح و طراحی مناسب جزئیات، عامل کلیدی در درک افراد از خانه است. وی اساس درک افراد از مصالح و جزئیات را سه مفهوم اختصاصی کردن، توجه و اصالت مصالح معرفی کرده است» (نیلاندر، ۱۳۹۰، ۲۴). بنابراین جزئیاتی چون لنبه‌کوبی سقف‌ها به ساکنان این احساس را القاء می‌کند که در طراحی و ساخت خانه توجه کافی صورت گرفته است؛ بنابراین احساس تعلق آنها نسبت به خانه تقویت می‌شود. «توجه و دقت معمار به خانه می‌تواند حس مطلوب ساکنان نسبت به خود را ارتقاء داده و برای ساکنان روشن کند که مهم هستند» (نیلاندر، ۱۳۹۰، ۲۶). در مقابل این الگو عناصر و سقف‌های بدون تزئینات خانه‌های معاصر قرار دارد که نیاز انسان به اختصاصی کردن محل سکونت را کاملاً مورد غفلت قرار می‌دهند.



شکل ۱۵. سقف بدون تزئینات
منبع: نگارندگان

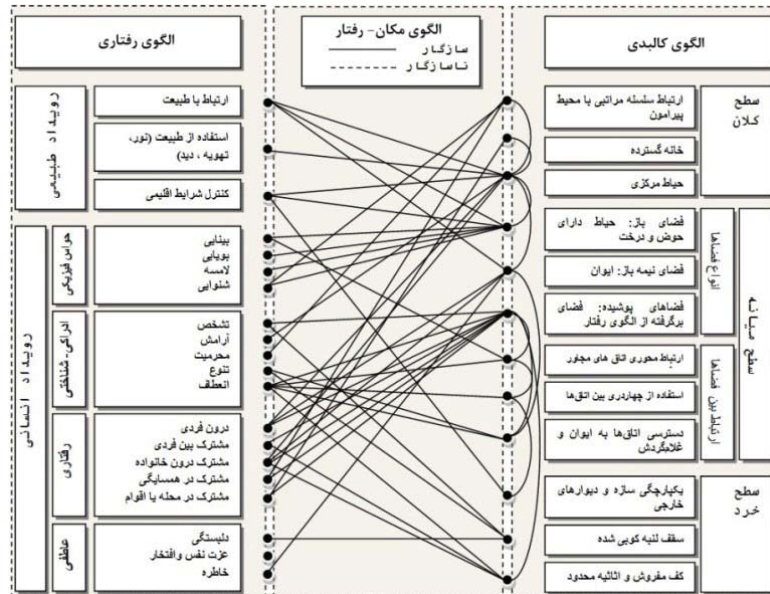


شکل ۱۴. لنبه‌کوبی سقف، خانه معصومی
منبع: نگارندگان

۳) کف مفروش و اثاثیه محدود یا کف پارکت و غلبه مبلمان بر فضا: کف فرش شده و مبلمان محدود مثل وجود پشتی‌ها با الگوهای رفتاری چون نشستن، غذا خوردن و خوابیدن بر روی زمین و در یک اتاق کاملاً همخوانی دارد و به انعطاف‌پذیری و گسترش‌پذیری اتاق‌ها کمک می‌کند. در مقابل کف پارکت و مبلمان زیاد باعث تک‌عملکردی شدن فضاها شده و امکان برگزاری میهمانی‌های بزرگ را از بین می‌برد. حائری (۱۳۸۸، ۶۱) در این مورد اشاره می‌کند که «اهمیت اشیاء و آرایش آنها در سازمان فضایی خانه‌های معاصر امری بنیادین است. آنقدر بنیادین که با جابه‌جایی آنها فضا هویت پیدا می‌کند و تحقق درست عملکردها در گرو وجود و آرایش اشیای خانه است. در چنین وضعیتی تعیین‌کنندگی نقش فضاها به اشیا واگذار می‌شود. بررسی‌های انجام شده در خانه‌های تاریخی آشکار می‌کند که سازمان فضایی خانه تقریباً مستقل از اشیای درونی شکل گرفته‌اند». هویت و کاراکتر فضاها سنتی با پذیرفتن تغییرات کوچک، قابلیت انعطاف و ترکیب بالایی فراهم می‌سازند.

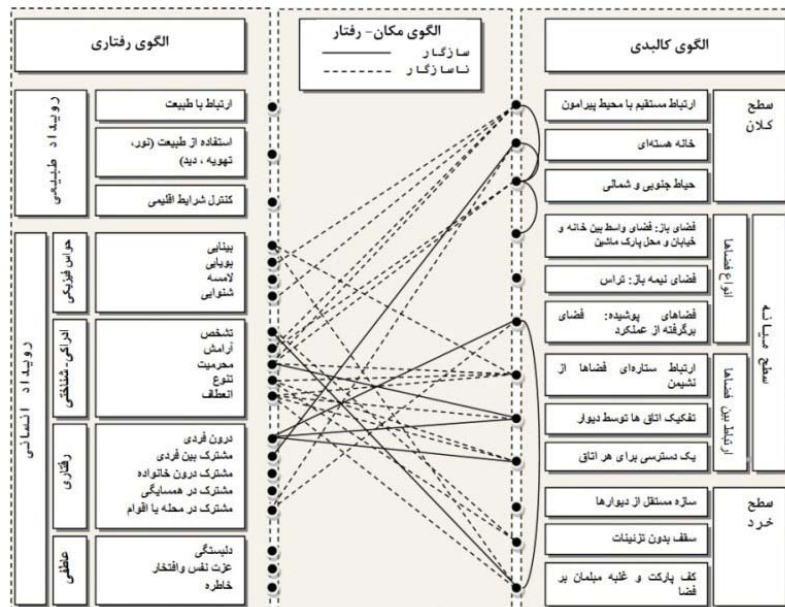
تجزیه و تحلیل (ارزیابی فرضیه و سؤالات)

مطالعات میدانی در زمینه مقایسه تحول زبان الگو در خانه‌های سنتی و معاصر نشان داد که مؤلفه‌های ساختاری-معنایی زبان الگو در طراحی سنتی و نوگرا به کلی متفاوت هستند؛ اگرچه الگوهای رفتاری در هر دو نوع مسکن به شدت از نظم و زبان الگوی کالبدی تأثیر می‌گیرند. الگوها به ترکیبی از اصول طراحی اشاره دارند که مبنای شکل‌گیری یک گروه بزرگ‌تر از راه‌حل‌های طراحی شناخته می‌شوند (عینی‌فر، ۱۳۸۶، ۴۲) و این تعریف در سازمان کالبدی شهرهای قدیمی با تأکید بر پیوند فضایی عناصر مرکز شهر و مراکز محلات از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباط دهنده نظیر گذرهای اصلی و میدان قابل مشاهده بوده و پیوستگی فضایی سازنده استخوان‌بندی شهرها بوده است (توسلی، ۱۳۸۲). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصل پیوستگی و سلسله‌مراتب فضاها در ارتباط معابر محله با گذر و ساباط و هشتی و ورودی و حیاط مرکزی و فضاها درونی خانه سنتی نیز قابل مشاهده است. این در حالی است که در خانه‌های معاصر پیوند فضاها درونی و بیرون حالتی دفعی دارد و به دلیل فقدان سلسله‌مراتب با آگاهی ابراهیمی-رفتاری همراه نیست. به این ترتیب تنش فضایی-رفتاری در ارتباط خانه معاصر با فضای بیرون مشاهده می‌شود.



شکل ۱۶. مدل (۶) ارتباط الگوی کالبدی و الگوی رفتاری در خانه‌های سنتی زنجان
منبع: نگارندگان

به دلیل تداوم الگوهای سنتی سکونت در شهروندان زنجان، برخی از الگوهای رفتاری خانه معاصر در تداوم با الگوهای سنتی است؛ هرچند به دلیل محدودیت کالبدی خانه معاصر بسیاری از الگوهای رفتاری سنتی مانند دید و بازدیدهای گسترده و گروهی در زمانهای محدود و مناسبت‌های خاص رخ می‌دهد. مدل ۶ و ۷ که ارتباط الگوی کالبدی و الگوی رفتاری را بر اساس تحلیل خانه‌های سنتی و معاصر شهر زنجان ارائه می‌دهند، فرضیه پژوهش مبنی بر ارتباط الگوهای مکان-رفتار با سرزندگی و پویایی مسکن در دو نوع الگوی سکونت را تأیید می‌کنند. بر این اساس هرچه هم‌پوندی الگوهای فضایی و رفتاری بیشتر باشد امکان آزاد شدن نیروهای درونی ساکنان و بهره‌وران بیشتر فراهم می‌شود. بر اساس دو مدل مشخص شده، در خانه‌های سنتی ارتباط گسترده‌ای بین الگوهای کالبدی با یکدیگر و با الگوی رفتارها وجود دارد و هر الگو، الگوهای بعد از خود را پشتیبانی می‌کند و ارتباط الگوهای طبیعی و انسانی را عمیق‌تر و غنی‌تر می‌کند و در نهایت ارتباط بین الگوها زبان‌الگویی منسجم برای خانه ارائه می‌دهد. در مقابل پویایی زبان‌الگویی مکان-رفتار در خانه‌های سنتی، زبان‌الگویی مکان-رفتار در خانه‌های معاصر قرار دارد. در خانه‌های معاصر نه تنها الگوهای کالبدی نسبت به یکدیگر و نسبت به الگوی رفتارها بی‌توجه هستند، بلکه بسیاری از الگوها ارتباطی ناسازگار با یکدیگر دارند و یکدیگر را تضعیف می‌کنند. برای مثال الگوی «ارتباط مستقیم با محیط پیرامون» در تناقض با نیاز فرهنگی به حریمیت بصری و صوتی و نیاز به آرامش در خانه است.



شکل ۱۷. مدل (۷) ارتباط الگوی کالبدی و الگوی رفتاری در خانه‌های معاصر زنجان

منبع: نگارندگان

با مقایسه دقیق‌تر مدل ۶ و ۷ می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای طبیعی شامل ارتباط با طبیعت، استفاده از طبیعت و کنترل شرایط اقلیمی از زبان‌الگوی خانه‌های معاصر حذف شده‌اند. همچنین در مورد الگوهای انسانی می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای مکان-رفتار خانه‌های سنتی به الگوهای کالبد-فعالیت در خانه‌های معاصر تقلیل یافته‌اند؛ بدین معنا که در خانه‌های سنتی توجه به حواس مختلف، الگوهای ادراکی-عاطفی و الگوهای رفتاری در زبان‌الگوی خانه‌ها قابل درک بوده است؛

در حالی که توجه به این الگوها در خانه‌های معاصر انسجام خود را از دست داده و تمرکز اصلی بر روی فعالیت‌ها است. خانه‌های معاصر با ساده کردن الگوهای مکان-رفتار به الگوهای کالبد-فعالیت فارغ از چگونگی انجام فعالیت، الگوهای رفتاری و فرهنگی را از ساختار زبان‌الگوی خانه حذف کرده و از هویت خانه ایرانی و کیفیت تجربه‌های متنوع می‌کاهد. در حالی که الگوی رفتاری که شامل چگونگی انجام فعالیت‌ها است، فرهنگ را وارد ساختار خانه‌ها می‌کند و هویت خانه ایرانی را می‌سازد. همین اتفاق در رویدادهای طبیعی باعث خلق رنگ و بوی متفاوت خانه‌ها در اقلیم نیز خواهد شد.

نتیجه‌گیری

تنوع و تکثر الگوهای سکونت معاصر و غفلت از الگوهای بومی، بازخوانی زبان‌الگوی خانه ایرانی و همسازی آن با انگیزه‌ها و نیازهای ساکنان را ضروری ساخته است. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی تنش‌های رفتاری-مکانی در گونه‌های مسکن و رفع آنها از طریق بازنگری در سازمان فضایی و الگوهای مکان-رفتار است. پس از تعریف زبان‌الگو و عناصر ساختاری-معنایی آن، ۲۰ نمونه از خانه‌های سنتی کهن و ۲۰ نمونه از خانه‌های ویلایی و آپارتمانی معاصر در شهر زنجان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد و الگوی معماری آنها در سه مقیاس کلان، میانی و خرد در ابعاد فضایی (ارتباط با پیرامون، تنوع فضایی، جزئیات معماری و مبلمان) و ابعاد ادراکی-رفتاری (ارتباط با طبیعت، تأثیرگذاری حسی، رفتاری و عاطفی بر انسان) ارزیابی گردید. بر اساس پیش‌فرض اولیه، انسان نیازمند الگو است تا بتواند در زمین سکنی گزیند و آسایش، آرامش، کرامت، لذت زیستن و فعلیت یافتن استعدادهای خدادادی را درک کند. هم از این رو معماری خانه و سکونتگاه نیازمند زبان‌الگویی است که آن را از بی‌قراری و سرگردانی رها کند و به آن قرار و ثبات و بستر رشد و تکامل ارزانی دارد. زبان‌الگو زبانی فرازمانی و فرامکانی است که با توجه به شیوه زیستن و فرهنگ سکنی‌گزیدن شکل می‌گیرد. الگوی سکونت حقیقتی همواره موجود است و نوع مواجهه انسان با نظام و زبان‌الگوها، کیفیت سکونتگاه را رقم می‌زند. الگوهای سکونت در هر شرایطی مبانی فرهنگی-اقتصادی-اجتماعی خاص خود را دارد. بین الگوهای کالبدی و رفتاری سکونت در گذشته برهم‌کنش و هم‌پیوندی بسیار قوی وجود داشته و همین امر باعث فراگیری، پایداری و گسترش الگوهای معماری بوده است. بر اساس یافته‌ها، ارتباط خانه‌های معاصر با طبیعت و احیای الگوهای طبیعی سکونت به کاهش استرس‌های روانی، تقویت احساس مطلوبیت زیبایی‌شناختی و رضایت‌مندی از سکونتگاه منجر می‌شود (Joye, 2007). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسکن سنتی زنجان (تا دوره قاجار) از الگوهای مکان-رفتار پویا و فعال برخوردار بوده، اما این الگوها در مسکن معاصر (خانه‌های ویلایی دوره پهلوی و واحدهای آپارتمانی امروزی) به الگوهای ایستا و غیرفعال تغییر یافته است. تنزل طراحی بوم‌سازگار و چندعملکردی در مسکن سنتی به طراحی فرمی-عملکردی و بی‌توجهی به زیست‌بوم در مسکن معاصر، سازمان ادراکی-رفتاری و زبان‌الگوی سکونت در خانه را تضعیف کرده است. مهمترین شاخصه‌های تحول و تنزل زبان‌الگوی سکونت عبارتند از:

- الگوهای فضایی-رویدادی از هم جدا شده‌اند. با غلبه نگرش فرم‌گرا و کالبدی بر خانه‌های معاصر، سازمان اجتماعی-ادراکی مسکن مورد غفلت واقع شده و نقش زبان‌الگوی رویدادها (طبیعت، احساس، رفتار و عاطفه انسان) به فراموشی سپرده شده است.
- زبان‌الگوی مکان-رفتار در خانه‌های معاصر در مقایسه با خانه‌های سنتی رنگ باخته‌اند و

الگوهای فضا-رفتار سکونت به الگوهای ساده فضا-فعالیت عملکردی تنزل یافته‌اند.

- ارتباط بین الگوها در سطوح مختلف از بین رفته و انسجام و استحکام خانه با زبان الگو تضعیف شده است.

استنتاج نهایی تحقیق آن است که با شناسایی الگوهای کارآمد سکونتی در دنیای معاصر، طراحی خانه با توجه به الگوی رفتارهای طبیعی و انسانی برای خلق خانه‌هایی پایدار و سازگار با نیازها و انگیزه‌های ساکنان امکان‌پذیر است و با توجه عمیق به الگوهای فرهنگی ساکنان، زبان الگوی سکونت قابل بازیابی است. به این ترتیب زبان الگوی رفتاری-فضایی احیا شده و سکونتگاه‌ها به مرور زمان توسط مردم، نیازها و انگیزه‌هایشان تکامل یافته و رشد می‌کنند؛ سکونتگاه‌هایی که زبان ساخت آن را خود ساکنان فهم کرده و قادر به تحول و توسعه آن باشند. در شرایطی که بسیاری از الگوها و زبان ارتباطی خانه‌های امروز از بین رفته‌اند، برای تبیین خلأهای پیش رو می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد. تقویت رابطه بصری و دسترسی به طبیعت، طراحی مبتنی بر حواس محیطی (بینایی، بویایی، شنوایی، لامسه)، حفظ تشخیص، تنوع و انعطاف‌پذیری فضاهای سکونتی، تعامل‌پذیری خانواده و همسایگان و تداعی‌گری خاطرات از راهبردهای بازآفرینی سازمیان فضایی و زبان الگوی سکونت است. معرفی و تبیین ارزش‌های فرهنگی سکونت از طریق بازنمایی سبک زندگی محلی و بومی، بازگشت به ارزش‌های پایدار سکونت که ریشه در مفاهیم فطری چون زیبایی، نیایش و مفاهیم انسانی چون آرامش و تعامل دارد برای تبیین زبان الگوی سکونت ضروری است.

- در سطح کلان: بازیابی الگوی پیوند خانه با محیط اطراف می‌تواند به تعریف ارتباط خانه‌ها با محیط پیرامون منجر شود و سلسله‌مراتب ارتباطی را بازسازی نماید. خانه‌ها و خانواده‌ها می‌توانند به صورت محدود به احیای الگوی سکونت گسترده در گروه‌های کوچک اقدام نمایند. بازسازی الگوی ارتباطی فضای پر و خالی در طراحی و توجه به ارزش پایدار حیات مرکزی در خانه‌های معاصر قابل پیگیری است. توجه عمیق‌تر به موضوع اقلیم و خرداقلیم یکی از کلیدواژگان اساسی در بازشناسی زبان الگوی سکونت است.
- در سطح میانه: باید الگوی ترکیبی فضاهای باز، نیمه‌باز و پوشیده به جای اولویت فضای پوشیده پیگیری شود. بازسازی فضاهای متنوع سکونتی برگرفته از الگوهای رفتاری متنوع و تأکید بر پیچیدگی و تنوع فضاهای پوشیده از طریق توسعه - نه تحدید - زیربناهای سکونتی در این سطح ضروری است.
- در سطح خرد: لازم است ضمن تأکید بر یکپارچگی سازه، معماری و تأسیسات، الگوهایی که بر اهمیت جزئیات و تزئینات تأکید دارند مورد توجه قرار گیرند.
- انجام تحقیقات متمرکز بر زبان الگوی مکانی-رفتاری در فرهنگ ایرانی-اسلامی مانند مهمان‌نوازی، قلمروپایی و حریمیت، همسایه‌داری، طبیعت‌گرایی، خانواده‌مداری، عبادت و پرستش، خوداتکایی و نوآوری، رشد و تعالی ساکنان می‌تواند به ارتقای کیفیت برنامه‌ریزی و ساخت مسکن منجر شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Pattern
 2. Salingaros
 3. Alexander
 4. Voigt
 5. Swatman
6. شهر زنجان در دوره‌های مختلف بر اثر هجوم دشمن تخریب و به‌مرور شهر جدید بر روی خرابه‌های قدیمی احیا شده است. شهر فعلی از دوران صفویه تکوین و توسعه پیدا کرده است، خاستگاه اولیه شهر در این دوره از تجدید بنا، به‌لحاظ استفاده از امکانات و استعدادهای بالقوه شهری و زیستی در حد نهایی اراضی شهری در جنوب و در ساحل راست رودخانه زنجان‌رود قرار گرفته است (سایت استانداری زنجان). در مجموع مراحل شکل‌گیری شهر زنجان کنونی را می‌توان به شش مرحله تقسیم کرد (زبردست و حبیبی، ۱۳۸۸):
مرحله اول: شکل‌گیری بازار و جنوب آن به‌عنوان هسته اولیه شهر تا سال ۱۲۰۰؛
مرحله دوم: رشد شهر تا حصار قلعه قدیمی از سال ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰؛
مرحله سوم: گسترش شهر با ویرانی حصار و پر شدن خندق از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵؛
مرحله چهارم: ورود شهرنشینی به مرحله رشد شتابان و مهاجرت روستاییان به حاشیه شهر از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۳؛
- مرحله پنجم: سه برابر شدن مساحت شهر، تصویب قانون زمین شهری و تبعات آن، شکل‌گیری محلات جدید در شمال شهر تا زمان تصویب طرح توسعه و عمران و حوضه نفوذ شارمند از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۴؛
مرحله ششم: گسترش شدید افقی شهر، بکرگونی ساختار کالبدی، شتاب خارج از کنترل، عدم توجه به توان‌ها و قابلیت‌های درون‌شهری، اضافه شدن شهرک‌های مسکونی متعدد از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۵.
7. مانع‌گاه بین دو فضا قرار می‌گیرد و میزان جلوگیری از نفوذ را مرز فضا مشخص می‌نماید. فاصله عمق فضا را نسبت به فضاهای دیگر مشخص می‌نماید. مرتبه خصوصیتی از فضا است که تعداد مراحل رسیدن به یک فضای دیگر را مشخص می‌نماید. حلقه بر میزان توزیع فضا میان فضاهای دیگر دلالت دارد. یک فضا با قرارگیری بین فضاهای دیگر حلقه اتصال می‌شود (راسخی‌نژاد مقدم، ۱۳۸۵، ۵۰-۵۱).
8. الگوهای رفتاری (انسانی) سرزنده و فعال امکان آزاد کردن قابلیت‌ها و نیروهای درونی انسان را فراهم می‌سازند؛ ضمن آنکه الگوهای طبیعی سرزنده و فعال به پایداری، سلامتی و نشاط عمومی کمک خواهند کرد. به اعتقاد الکساندر (۱۳۸۶) از دست رفتن الگوها را در بند تناقضات درونی نگاه می‌دارد، مانع حل تضاد میان نیروها شده، ما را در حال تنش دائمی قرار می‌دهد و از این طریق ما را می‌فرساید و ضعیف می‌کند به‌گونه‌ای که قدرتمان برای مواجهه با گرفتاری‌ها و زندگی کردن کم می‌شود.
9. عمومی (۱۳۷۶) الگو را شباهت بنیادین در سازمان کلی فضا و پیروی از نظمی واحد تعریف می‌کند که با تکرار و تکامل خود به دستورالعمل‌های معماری یک سرزمین تبدیل می‌شود. در استفاده از الگوها جاری شدن نظام و روابط الگو به پدیده‌های تحت تأثیر ملاک است نه شباهت شکلی و محتوایی پدیده‌ها به یکدیگر. مهمترین کاربرد الگو ایجاد فرم و فضای معماری بر اساس نظم و روابط مشخص و تجربه شده است. الگو ظرفی است که مفاهیم مورد نظر انسان در قالب آن جاری شده و به فعلیت درمی‌آید؛ ظرفی که شکل آن، نظام الگو و بستر به فعلیت درآمدن مفاهیم انسانی است (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۱). «واژه الگو به ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت توجه دارد و طرح ساده شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آنها را مشخص می‌کند» (مندارس، ۱۳۴۹، ۲۱۰ به نقل از سلطانی، و دیگران، ۱۳۹۱، ۷). پیتر گودیر (به نقل از Voigt & Swatman, 2005) نیز الگوهای طراحی را ابزارهای مفهومی جدیدی معرفی می‌کند که به تجزیه و تحلیل نیاز دارند و از این‌رو که در حل مسائل پیچیده مورد استفاده قرار می‌گیرند انتزاعی و غیرقابل مشاهده‌اند. در نتیجه منظور از الگو امری ذهنی و کلی است که ایجاد نظم و ارتباط میان اجزا و عناصر فضای معماری را در جهت رفع نیاز و برآورده کردن خواست‌های انسان تأمین می‌کند. اما قوانینی که الگوها را به هم مرتبط می‌کنند به اندازه خود الگوها مهم هستند؛ زبان الگو مشخص می‌کند که کدام یک از الگوها به چه ترتیبی با هم ترکیب شوند تا در یک سطح بالاتر الگو به‌وجود آید، همان‌طور که یک سامانه به خاطر ارتباطات بین زیرسامانه‌ها درست کار می‌کند (Passioura, 1979) به نقل از Salingaros, 2000). کل به‌وجود آمده شامل اطلاعاتی است که هیچ‌یک از الگوهای سازنده این کل به‌تنهایی ندارند. وجود این اطلاعات به‌خاطر سازماندهی الگوها در قالب یک کل منسجم است.

فهرست منابع

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶) *معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- بل، سایمون (۱۳۸۲) *منظر، الگو، ادراک و فرآیند*، ترجمه بهناز امین‌زاده، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- پوراحمدی، محبوبه (۱۳۹۱) «بررسی الگوهای پایداری در معماری خانه‌های سنتی مهریز»، *نشریه شهر و معماری بومی*، شماره ۳، صص ۵۵-۶۴.
- توسلی، محمود (۱۳۸۲) «اصل ارتباط در طراحی شهری»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۱۴، صص. ۳۲-۳۹.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸) *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه*، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۹۱) «معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه»، *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، شماره ۵۶، صص. ۳۷-۵۳.
- راپوپورت، آموس (۱۳۸۸) «به‌سوی انسان‌شناسی خانه»، ترجمه مسعود پرچی عراقی، *مجله آبادی*، شماره ۳۶.
- راسخی‌نژاد مقدم، مرتضی (۱۳۸۵) *بهبینه فضای جمعی در خانه*، رساله دکتری تخصصی معماری (منتشر نشده)، کتابخانه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- زبردست، اسفندیار و سارا خبیبی (۱۳۸۸) «بررسی پدیده پراکنده‌رویی و علل آن در شهر زنجان»، *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، شماره ۳۸، صص. ۱۱۵-۱۲۴.
- سلطانی، مهرداد؛ منصوری، سید امیر و فرزین احمدعلی (۱۳۹۱) «تطبيق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری»، *باغ نظر*، شماره ۲۹، صص. ۳-۱۴.
- عمومی، محمد (۱۳۸۷) *معماری الگو*، نظم، نشر خاک، تهران.
- عینی‌فر، علی‌رضا (۱۳۸۶) «نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۲، صص. ۲۹-۵۰.
- نیلاندر، اولاف (۱۳۹۰) *معماری خانه*، ترجمه محمدصادق فلاحت، دانشگاه زنجان، زنجان.
- Alexander, C.; Ishikawa, S.; Silverstein, M.; Jacobson, M.; Fiksdahl-King, I & Angel, S. (1977) *A Pattern Language*, Oxford University Press, New York.
- Goodyear, P. (2005) "Educational design and networked learning: Patterns, pattern languages and design practice," *Australasian Journal of Educational Technology*, 21 (1), 82-101.
- Joye, Yannick (2007) "Architectural Lessons from Environmental Psychology: The Case of Biophilic Architecture," *Review of General Psychology*, Vol. 11, No. 4, 305-328.
- Passioura, J. B. (1979) "Accountability, Philosophy, and Plant Physiology," *Search (Australian Journal of Science)*, Vol. 10, pp. 347-350.
- Salingaros, Nikos (2000) "The Structure of Pattern Languages," Translated by: Saied Zarrinmehr, *Journal of arq-Architecture Research Quaterly*, Vol. 4, University of Texas at San Antonio.
- Salingaros, Nikos (2004) "Architecture, Patterns, and Mathematics," *Nexus Network Journal*, Vol. 1, pp. 75-85.
- Voigt, Christian & Swatman, Paula M. C. (2006) "Describing a design pattern: Why is it not enough to identify patterns in educational design?" *School of Computer and Information Science*, University of South Australia.
- <http://ostandari-zn.ir>